



باز کاوی یک رابطه...

سیری در مناسبات شهید آیت الله بهشتی و

شهید حجت الاسلام محمد منتظری

علی اکبر رحمانی



شهید مظلوم دکتر بهشتی در مصاحبه‌ای اشاره‌ای به شهید محمد می‌کند و می‌گوید: «نکته باعث

تأسف این است که انسان می‌بیند بعضی از دوستان هم به وسیله توطئه‌گران تحت تاثیر قرار می‌گیرند و پای آنها هم به این شایعه‌سازی‌ها کشانده می‌شود و انسان در برابر این گونه چهره‌ها نمی‌خواهد حتی سخن درشتی بگوید. اینک متن این مصاحبه از نظراتان می‌گذرد.

در مورد شما این روزها شایعات زیادی بر سر زبان‌هاست. با این شایعات چگونه برخورد می‌کنید و تصور می‌کنید این شایعات از چه منبعی سرچشمه می‌گیرند و به نفع چه کسی تمام خواهد شد؟

دکتر بهشتی: همان طور که می‌دانید و بسیار از مردمی

شهید محمد در طول زندگی پرشور و پر حماسه خویش، تنها درباره یک تن اشتباه کرد و نخستین کسی هم که به اشتباه او پی برد و در پی تصحیح برآمد، خود او بود. خیلی زود خاضعانه و صادقانه سر بر شانه شهید مظلوم بهشتی بزرگوار نهاد و به اشتباه گذشته خویش اعتراف کرد و حتی ماه‌ها پیش از آنکه امام، مظلومیت شهید بهشتی را صریحاً برای عموم ملت اظهار کنند، محمد به‌تنهایی و علناً اعتراف کرد و شاید تقدیر الهی این بود که محمد در همان شب در همان جا سر بر بالین همان خاکی بنهد که بهشتی مظلوم نهاد.

این مطلب قابل ذکر است که روابط دوستانه شهید مظلوم دکتر بهشتی و شهید منتظری به قبل از انقلاب برمی‌گردد. آن هنگامی که شهید بهشتی در ایران به کار تشکیلاتی پرداخته بودند، شهید منتظری هم در خارج در افغانستان، پاکستان، سوریه، لبنان، عراق، کویت، بحرین و ... فعالیت داشت و پس از فعالیت‌های ۸ ساله خویش، عناصر مسلمان و انقلابی را شناخته و با کادرهای جالب را تربیت کرده بود و روی همین اصل، شهید بهشتی طی نامه‌ای که توسط یکی از دوستان شهید منتظری برای او می‌فرستند، وی را دعوت به همکاری و تشکیل و تأسیس یک تشکیلات منسجم می‌کنند. متأسفانه این نامه به دست شهید نرسید، لیکن بعد از آنکه به ایران برگشت، خود به سراغ کادرهای مهم کنسور، من جمله شهید مظلوم دکتر بهشتی رفت و یک تشکیلات منسجم را پایه‌ریزی کردند. روابط دوستانه، برخوردهای این دو شهید در هر حال چه زمانی که در حزب جمهوری اسلامی جزو مؤسسين حزب و در کار تحقیقاتی و اطلاعاتی حزب متبکر و طراح بود و چه زمانی که بر اثر موضع‌گیری‌های شهید بهشتی نسبت به دولت موقت و بر اثر اشتباه خود محمد، به شهید بهشتی حمله‌هایی می‌شد، در همه حال بسیار صمیمی و زیان‌دور عام و خاص شده بود.

از آنجا که دولت موقت، عناصر جاسوس، خائن، ناآگاه و ... انقلاب را محاصره جدی کرده بود و از هر طرف در کمین بود تا ضربه هولناکی بر پیکر انقلاب بزند، محمد با فراست و کیاست مؤمنانه‌اش به افشاگری می‌پرداخت و همه عناصر فاسد و جاسوس را برملا می‌کرد. از آنجا که سیاست شهید بهشتی در زمینه لیبرالیسم و دولت موقت به دستور امام، سیاست سکوت بود و از آنجا که گرفتاری‌ها و فشارها و کارهای فکری زیاد، محمد را شدیداً به خود مشغول کرده بود، نسبت به این شخصیت بزرگ دچار اشتباه شد و احساس کرد که او هم سیاست‌های غلط دولت موقت را تأیید می‌کند و سکوتش علامت رضایت از جریان‌های جاری کشور است و این مسئله، روح بزرگ و متلاطم محمد را آزار می‌داد.

ما تعجب آور است، به‌خصوص که انسان در برابر این گونه چهره‌ها نمی‌خواهد حتی سخن درشتی بگوید و واکنشی مطابق کنش آنها از خود نشان دهد. من همواره سعی داشته‌ام و خواهم داشت که با بردباری و شکیبایی که اسلام از هر مسلمانی انتظار دارد، ملتزم باشم و در برابر لغزش دوستان هم به دیده عفو و اغماض بنگرم و امیدوارم این افراد هم به‌زودی متوجه شوند که دشمنان از آنها سوء استفاده کرده‌اند. طبیعی است کسی که دارای زندگی روشنی باشد. در برابر این گونه شایعه‌سازی‌ها از زبان و قلم هر کس باشد، استقامت نشان خواهد داد، به‌خصوص که در برابر این شایعات دوستان فراوانی اظهار مهر و محبت می‌کنند. این شایعه‌سازی‌ها توطئه است که نهایتاً به نفع دشمن تمام خواهد شد. توطئه‌ای که با رنگی جدید که از سوی دشمن چهره‌های خلاق و موثر انقلاب ریشه می‌گیرد، ولو آنکه دوستان آنها را سرزنش نکنند، امید و آرزوی من این است که ملت ما در برابر این جنگ روانی روزبه‌روز بیش از پیش «روئین‌تن» باشند.

شهید منتظری در مصاحبه با مجله عروة‌الوقتیه در این باره سخن گفته است:

آقای منتظری شما در برخی نوشته‌ها و سخنرانی‌هایتان تمایزی درباره دکتر بهشتی داشته‌اید. آیا هنوز هم نظراتان همان است؟

در مورد آقای دکتر بهشتی، من ایشان را فرد لایق و مفیدی می‌دانم، البته ممکن است ایشان اشکالاتی هم داشته باشند، ولی در مورد تعبیرهایی که کرده‌ام و اهانت‌هایی که از طرف بنده به ایشان شده، به عنوان مثال من تعبیر کرده‌ام که ایشان در خط امریکا هستند و امثال اینها و حالا به این نتیجه رسیده‌ام که اینها غلط است. در آن زمان، تصور من این بود که در جریان دولت موقت، ایشان همگام با دولت موقت هستند، ولی بعد در عمل و با مسائلی که من به آنها رسیدم، کشف کردم که ایشان با دولت موقت همگام نبوده‌اند و با آنها اختلافاتی هم داشته‌اند، ولی به دلیل شرایط انقلاب، اینها در کنار هم قرار گرفته‌اند و البته من بیش از یک سال است که به این نظر رسیده‌ام و به هیچ‌وجه راضی نیستم برخی از افراد ضد انقلاب که هم با اسلام و هم با روحانیت و هم با امام مخالفتند و نقشه‌های امریکا را در کشور پیاده می‌کنند، تعبیر گذشته من را بگیرند و در جهت خط امریکا از آن استفاده کنند. این یک حرکت مزورانه است. ■

شهید مظلوم دکتر بهشتی در مصاحبه‌ای اشاره‌ای به شهید محمد می‌کند و می‌گوید: «نکته باعث تأسف است که انسان می‌بیند بعضی از دوستان هم به وسیله توطئه‌گران تحت تاثیر قرار می‌گیرند و پای آنها هم به این شایعه‌سازی‌ها کشانده می‌شود و انسان در برابر این گونه چهره‌ها نمی‌خواهد حتی سخن درشتی بگوید.»

که با من از نزدیک تماس دارند می‌دانند، روش من در برخورد با شایعات، خونسردی و بی‌اعتنا بودن است، چون می‌دانم که شایعه‌سازی یکی از نقشه‌های شوم دشمنان انقلاب است و مسلم است که افرادی که مسئولیت‌های مؤثری در انقلاب دارند، هر قدر صادقانه‌تر کار کنند و هر قدر مصالح این ملت را بیشتر رعایت کنند و هر قدر با دشمنان اسلام و کشور بیشتر درگیر بشوند، بیشتر در معرض این توطئه‌ها قرار می‌گیرند. من این مسئله را سال‌هاست تجربه کرده‌ام. تربیت اسلامی، انسان را متوکل به خدا بار می‌آورد و انسانی که دلش با خدا پیوند داشته باشد، از این گونه شایعات کمتر نگران می‌شود. ملت ما هم هوشیار است و می‌داند که جنگ روانی و شایعه‌سازی یکی از نقشه‌های مخرب دشمن است. اما آنچه باعث تأسف است اینکه انسان می‌بیند بعضی از دوستان هم بوسیله توطئه‌گران تحت تاثیر قرار می‌گیرند و پای آنها هم به این شایعه‌سازی‌ها کشانده می‌شود که این برای